

# هنر مینیاتور در کشمیر و جامو

نقاشی و مینیاتور در کشمیر از ایام قدیم وجود داشته است ولی مناسبانه موقعی که بخواهیم درباره آن تحقیقاتی بعمل آورده و آثار گذشته را بررسی نماییم آثار زیادی نمی بینیم زیرا بر اثر مرور زمان قسمت اعظم آن از بین رفته است. در سال ۱۹۳۱ سر- اوردیل اشتاین برای اولین بار مهمترین کارگوروسو تراجم را کارهای فلسفی بروش بودائی مربوط است کشف نمود. این اثر اتفاقاً در کوهپای شمالی کشمیر بوسیله پسر چوبانی کشف شد که اولین و قدیمیترین اثری میباشد که تا کنون در این ناحیه پیدا شده است.

چون تاریخ این آثار بقرن پنجم میلادی بر میگردد بخوبی روش مذهبی در آن هویداسی ولی يك جنبه مهم دیگری دارد و آن این است که بطرز زیبایی رنگ آمیزی شده و جلد آنها دارای نقاشی های عالی است. این موضوع نشان میدهد هنر نقاشی که بعداً تا مدتی از بین رفته در دوران گذشته رونقی داشته است. طبق اظهار راج ترنجپنی مورخ مشهور سالنهای متعدد نقاشی و رنگ آمیزی شده در کشمیر را میتوان با نقاشیهائی که در سالنهای بعضی از عمارات بزرگ در هند موجود است مقایسه نمود. بواسطه وقفه ای که در هنر نقاشی در قرون وسطی شده است نمیتوان اصل و سبک نقاشی هائیکه در دوره کشمیر بوجود آمده پیدا نمود. ولی این حقیقت واضح است که در کشمیر سبک و روش مخصوصی در نقاشی و مینیاتور تعقیب میشده است. سرونسان اسمیت مکتب نقاشی و مینیاتور کشمیری را سبک

متوسطی میدانند. شاید منظور وی این است که ترکیبی از مکتب راجپوت میباشد طبق اظهار محققین شاید نفوذ مکتب راجپوت در مکتب کشمیری در زمان سلطنت لالیتا دیتینا واقع شده که حدود مملکت خود را تا شمال هند ادامه و توسعه داد. گرچه کشمیر مرکز و هسته مرکزی هند و صنایع ظریفه بود ولی جامعه نقاشان و هنرمندان را از قرن دوازدهم بیعد و شاید قبلاً بطرف خود جلب نمود در این نقطه کوهستانی که در کنار جلگه پنجاب قرار دارد بیشتر هنرمندان بآن پناهنده شدند. در زمان سلطنت اورنگ زیب و جانشینان او که قدرت مغول رو بزوال بود هنرمندان و نقاشان دربار را ترک میکردند و بدربار فرمانروایان هند و میرفتند و با آنها پناهنده شده و در خدمت آنان بکار مشغول میشدند. در تمام دربارهای فرمانروایان هند و مدارس نقاشی و موسیقی دائر شد و از هنر و هنرمندان تشویق کاملی بعمل میامد. در همین موقع عده ای از هنرمندان بجامو آمدند و در قرن هفدهم این استان محل اجتماع هنرمندان عالی قدری شد. مکتب نقاشی جامو مجموعه ای از مکتب نقاشی راجستان است که در قرن هفدهم و هیجدهم در اوج خود بود. بعد از این دوران کت کاتکرا و نواحی اطراف آن مانند نهری - گروال مرکز هنر شد. با اقامت هنرمندان در نقاط کوهستانی هنرمندان دربار مغول کم کم روش و سبک محلی را پیشه خود کرده و میتوان گفت که تا اندازه ای در سبک و روشهای قدیمی که با خود آورده بودند تجدید نظر نمودند. بدون شك سبک باستانی و روش نقاشی از روی طبیعت در جامو شروع شد و حتی امروز این آثار نقاشی و مینیاتور

بمناسبت همین خاصیت دارای شهرت میباشد ولی بدون شك با اینکه مکتب جامو کاملاً مستقل است نفوذ مکتب راجستان در آن بخوبی مشاهده میگردد. مهمترین خاصیت نقاشی مکتب جامو سادگی فکر و نقاشی است که با خطوط برجسته ای نشان داده میشود با وجود سادگی که نقاشی و مینیاتور جامو دارد ولی بیشتر آثار بر روی داستانهای تاریخی و مذهبی ترسیم شده است و اغلب بر روی آثار رامایان و مهابهارت میباشد. نقاشی در این ناحیه بسیار روشن و رنگهای اصلی که استعمال میشده قرمز و زرد و سبز میباشد گرچه میتوان گفت که این نوع مینیاتورها طرز لباس و پوشیدن سروج وواهراتی که مورد استعمال است با خطوط برجسته و رنگهای مخصوصی نشان داده میشود و همیشه میتوان نقاشی و مینیاتور را همجنس با نقاشی که از کلهها شده است و یا بر طائوس که بکلاه نصب است و هنوز در شمال مورد استعمال میباشد تشخیص داد. در مورد زنان همیشه نقاشی و مینیاتور آنها را با دستهای حنا بسته و چشمانی نیمه بسته و مخمور نشان میدهد صورت گرد و کامل، چانه گرد و موی سری که با نهایت دقت آرایش داده شده است از مشخصات نقاشی و مینیاتور این محل با خط قرمزی که حاشیه را تشکیل میدهد میباشد.

يك موضوع مذهبی افسانه ای با خط سفید در بالای نقاشی ها نظر را بخود جلب میکند و اغلب هنرمند نام قهرمان یا پیشوای خود را با قلم در پایین نقاشی مینویسد. موضوعهائی که برای مینیاتور و نقاشی انتخاب میشود بی اندازه متنوع یا صورت مذهبی یا افسانه ای بقیه در صفحه بعد

# هوس

از زبان يك زن

اینجا، نهان زخلق، بدنبال عیش و نوش؟  
«می» ریز و بوسه گیر ولی ساکت و خموش؟



از من نبرس با تو چرا امشب آمدم  
فرصت مده زدست که یکدم غنیمت است

بفشر مرا، بیوس مرا، یا بزن مرا!  
آری بگو ترا بخدا، ساکتی چرا!



دست مرا بگیر و در آغوش خویشتن  
یا بوسه یا که... او! بگو هر چه میل تست

چون بار چند ساله کنارت نشسته ام  
گویم که دل بعشق و وفای تو بسته ام!



باتو دو روز پیش شدم آشنا ولی  
تصدیق کن دروغ سخن گفته ام اگر

حاشا که نیست غیر هوس چیز دیگری!  
اقرار کن ندیده کسی همچو دلبری!



امشب کشانده است با اینجا «هوس» مرا  
هر جور عشق تست زمن کام دل بگیر

روزی شود مقدمه عشق بر امید  
عشق عمیق بر هیجانی شود پسدید



آری «هوس» کشانده مرا شاید این «هوس»  
وز این «هوس» که درد دل من خفته ممکن است

از من نبرس با تو چرا امشب آمدم  
یا بوسه یا... او! بگو هر چه میل تست



کریم . فکور

## هنر مینیاتور در کشمیر ...

بقیه از صفحه قبل

راجستان واقع شده است در پونج نیز که واقع در این ایالت است سبک مابین کلام و کشمیری است و سبک مکتب جامو وجود داشته ولی رویم رفته میتوان گفت که سبکی که در این قسمت مورد استعمال بوده بر اساس سبک و روش و فکر هندی بوده که بوسیله هنرمندان باین نقطه منتقل شده و صورت مخصوصی در آنجا بخود گرفته است .  
انوشیروان صدر

و تاریخی دارد و با موضوعهایی از کلام که بمعنی شراست انتخاب میشده که این سبک و روش بمعنی گرفتن موضوعهایی از اشعار برای نقاشی و یا مینیاتور در کشمیری اندازه مرسوم بوده و میتوان گفت که این سبک در نقاشی و مینیاتور جامو مؤثر بوده است . چون نقاشی و مینیاتور مکتب جامو تحت تاثیر و نفوذ نقاشی و مینیاتور